

دوفصلنامه پژوهش‌های مدیریت و فرماندهی نظامی
دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) - دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) نرسا
سال هجدهم، شماره ۵۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۵۹-۳۳

بررسی چالش‌های قوم‌گرایی بر امنیت ملی ایران

حسین یعقوبی^۱، امیرحسین اکبری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳

چکیده

زمینه و هدف. بررسی تاریخی اقوام در ایران نشان می‌دهد که قاعده کلی حاکم بر مناسبات اقوام ایرانی بر مدار همدلی و زیستی مسالمت‌آمیز استوار بوده است اگر چه در مقاطعی محدود، سطوح مختلفی از تنش و بحران را نیز تجربه کرده است و قوم‌گرایی در اینجا سیاسی شدن علائق زبانی، مذهبی و سایر مظاهر کهن و تبدیل شدن آن به عناصر اصلی بسیج سیاسی در فرایند سیاسی جامعه است و امنیت ملی در این نوشتار به شاخص‌هایی نظیر بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی و خلل آوردن بر وحدت ملی مربوط می‌شود و امنیت ملی به مفهوم سیاسی صرف نیست؛ بلکه ابعاد اجتماعی آن را نیز در بر می‌گیرد. روش تحقیق در این پژوهش باتوجه به ماهیت موضوع، توصیفی - تحلیلی (تبیینی) خواهد بود. برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش استفاده از شیوه‌های کتابخانه‌ای - اسنادی مدنظر است. نتایج نشان می‌دهد امنیت ملی به سود همه قشرها و شهروندان موجود در درون مرزهای جامعه ملی بوده و هرگونه چالش یا تهدیدات نسبت به آن، تأثیر منفی خود را بر همه قشرها و گروه‌های اجتماعی به‌جای می‌گذارد.

واژه‌گان کلیدی: امنیت ملی، بحران، چالش، قومیت، هویت ملی.

^۱ مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام.

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام.

مقدمه

اغلب کشورهای جهان دارای جمعیت‌های ناهمگون هستند تقریباً ۱۲ کشور با جمعیتی بالغ بر ۹۰ درصد جمعیت جهان دارای جمعیت همگن هستند، اما بیش از ۹۰ درصد جمعیت جهان متشکل از تنوع قومی است، تکثر قومی که اساس ظهور اقلیت‌ها و نقطه مقابل تجانس است، ناظر بر وجود اقوام متعدد و تفاوت‌های آشکار فرهنگی، مذهبی، تاریخی و اجتماعی در یک کشور است. این پدیده وضعیتی خاص را برای کشورهای متکثر پدید آورده است که بارزترین آن منازعات قومی در شکل‌های مختلف است (فتاحی، ۱۳۹۶: ۳).

تعدد و تنوع اقوام تشکیل‌دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق واژه «کثیر القوم» و جامعه چندقومی بر ترکیب جمعیتی آن از واقعیتی غیرقابل انکار است و در طول تاریخ هر یک از اقوام ساکن در ایران به سهم خود در نضج، دوام و استمرار تمدن ایرانی شرکت داشته و به‌رغم فراز و نشیب‌های فراوان توانسته است به طرح مختلف حیات سیاسی این مرزوبوم را پاس بدارد، نوع سطوح متفاوتی از منازعات قومی در مناطقی چون کردستان، آذربایجان، ترکمن‌صحرا، بلوچستان و خوزستان پس از پیروزی انقلاب از مهم‌ترین چالش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در طول این سه دهه بوده است که آثار و عواقب زیان‌باری را بر این مناطق و بر ساخت سیاسی کشور و نیز روابط و مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقوام وارد نموده است. در حال حاضر به استناد آمارهای مختلف بین ۴۰ تا ۵۰ درصد جمعیت ایران را اقوام غیر فارس تشکیل می‌دهند. در عین حالی که بر علایق همه اقوام ایرانی در حفظ هویت ملی و حراست از تمامیت ارضی و جغرافیایی سیاسی کشور تأکید داریم در مقابل نیز نمی‌توان بر بسترها و رشته‌های کوتاه و بلندی که از گذشته تاکنون، کم‌وبیش زمینه‌ساز واگرایی برخی اقوام از مرکز بوده‌اند به تعداد زیادی در ساخت و بافت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی کشور و نیز سطح منطقه و نظام بین‌الملل یافت

می‌شود چشم فروبندیم. (فتاحی، ۱۳۹۶: ۴). به این لحاظ ایجاب می‌کند که به لحاظ نظری و علمی به درک بهتری از چرایی بروز تحولات قومی و چالش‌های آن بر امنیت ملی پرداخته شود.

بیان مسئله

بررسی تاریخی اقوام در ایران نشان می‌دهد که قاعده کلی حاکم بر مناسبات اقوام ایرانی بر مدار همدلی و زیستی مسالمت‌آمیز استوار بوده است اگر چه در مقاطعی محدود، سطوح مختلفی از تنش و بحران را نیز تجربه کرده است. شکاف اساسی قومی در ایران هم‌زمان با بحث نوگرایی فرمالیستی در عصر قاجار ظاهر شد و در عصر انقلاب مشروطه (۱۲۸۴ هـ.ش) و به‌ویژه در زمان حکومت پهلوی آهنگ آن شتاب بیشتری پیدا کرد. در عصر رضاخان نوگرایی بر سه پایه سکولاریسم، توسعه صنعتی در مراکز و وابستگی به بیگانگان مبتنی بود (احمدی، ۱۳۸۲: ۲۰).

شکاف‌های اساسی قومی در عصر پهلوی به شدت افزایش یافت و قدرت فزاینده اقوام را در درون نظام سیاسی دولت به همراه داشت. به‌طوری که تمایز دولت از اقوام آسان نبود در این مقطع از تاریخ سیاسی ایران، سران اقوام و قبایل در ساختار دولت حضور داشتند و دولت و اقوام ایرانی به یکدیگر وابسته بودند و نظام واحدی تشکیل می‌دادند که واجد هویت ایرانی بود. دولت برای بسیج سپاه و اخذ مالیات و عوارض و تأمین امنیت مرزها متکی به اقوام بود و اقوام نیز در قدرت دولت سهیم بودند و از آن منتفع و بهره‌مند می‌شدند و اگر تعادل میان آن دو به هم می‌خورد مجدداً این تعادل و توازن برقرار می‌شد. سابقه اقوام فارس، ترک، کرد و لر به یگانگی تاریخی پاس و ماد و به اسطوره مشترک قوم آریا می‌رسد. اختلاف لهجه و گویش زبان نیز حاکی از آن اصل مشترک است که بیانگر نوعی وحدت سیاسی باهدف تعامل منافع بوده است. به‌عنوان نمونه همراهی اقوام بختیاری در دوران مشروطه به اشتراک عقیده

با ایرانیان شیعه و تأکید کردها بر اصالت ایرانی خود و همراهی ایلات قشقایی در جریان ملی‌شدن صنعت نفت حاکی از این وحدت تاکتیکی اقوام با دولت مرکزی است (اتابکی، ۱۳۷۲: ۳۰).

این وضعیت پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران وارد فاز تجزیه‌طلبانه اقوام در مناطق قومی‌نشین ایران با طرح شعار ناسیونالیسم قومی شد و بحران‌هایی را به وجود آورد لکن در جریان جنگ تحمیلی با رهبری امام خمینی «ره» نوعی همگرایی از سوی اقوام برای دفاع از منافع ملی کشور صورت گرفت. در دوران بازسازی سعی در محرومیت‌زدایی و فعالیت‌های عمرانی و توسعه زیر ساخت‌های اقتصادی در مناطقی باموقعیت تنوع قومی به اولویت اساسی دولت تبدیل شد و در عصر اصلاحات توجه به قومیت‌ها در قالب توانمندسازی اقوام و نهادهای مدنی و تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد و تحقق اصل شوراها و شکل‌گیری نمادهای جامعه مدنی در دستور کار دولت قرار گرفت. موضوع قومیت‌ها در سرفصل منافع ملی هر کشور جایگاه مهمی را دارا است. در عصر حاضر یکی از الزامات توسعه در جمهوری اسلامی ایران برای تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله تکیه بر همبستگی و اتحاد ملی و مشارکت عمومی برای همگرایی قومیت‌ها، مذاهب، اقلیت‌ها و گروه‌های قومی است (حق‌پناه، ۱۳۸۱: ۲۵).

جمهوری اسلامی ایران به دلایل موقعیت ژئوپلیتیکی و ماهیت نظام سیاسی در طول حیات خود همواره با تهدیدات خارجی و داخلی مواجهه بوده است، در نگرش کلی در هر نظام سیاست اتحاد ملی از مجرای حداکثرسازی ضریب همبستگی تحقق می‌یابد برای ظهور اتحاد ملی لازم است که بین نیروهای اجتماعی، بستر همکاری و پیوند عمیق و استراتژیک وجود داشته باشد. در این میان اقوام و گروه‌های قومی به‌عنوان نیروهای اجتماعی نظام سیاسی جایگاه مهمی در اتحاد ملی ایفا می‌کنند. در این راستا بررسی چالش‌های امنیتی و

ارائه راهبردهای مناسب ضرورتش قطعی و انجام آن لازم است، بنابراین بررسی تهدیدات امنیت ملی و ارائه راهکار مناسب برای مقابله با چنین تهدیداتی علاوه بر یک وظیفه ملی، یک وظیفه انسانی است. از آنجاکه ایران کشوری با اقوام مختلف است، پس از لشکرکشی آمریکا به منطقه، قومیت‌های ایران برای بحران‌آفرینی داخلی در کانون توجه نیروهای بیگانه قرار دارد.

در این چارچوب تقویت کارکرد فرهنگی - اجتماعی اقوام و اقلیت‌ها می‌تواند در قالب توانمندسازی اقوام و فرصت‌سازی برای آنها و نظارت و هدایت بر فعالیت آنها، چارچوب مناسبی برای تحقق اتحاد ملی در جامعه اسلامی پدید آورد. ضمن اینکه شناسایی نقاط کور و تهدید زا - فراوری اقوام و گروه‌های قومی می‌تواند ضریب امنیتی اقوام ایرانی حول منافع ملی را اعتلا بخشد و طرحی نو از اتحاد ملی اقوام ایرانی با هویت اسلامی نمایش بگذارد. کتاب «قومیت و قوم‌گرایی» در ایران یکی از منابع مهم در رشته مربوط به مباحث قومی در کشور می‌باشد که مطالبی قابل توجه تحت عنوان قومیت و قوم‌گرایی در ایران و نظریه‌های مرتبط با قومیت و ناسیونالیسم و نقش نخبگان... آورده شده است.

کتاب «ایدئولوژی و سیاست قومی در جمهوری اسلامی ایران» نیز در زمینه مباحث قومی به تحقیق پرداخته است و در زمینه موضوع مورد نظر پژوهش بیشتر بر سیاست‌های قومی تأکید شده و از پرداختن به بحث بحران‌های قومی اجتناب گردیده است. نویسنده به فرایند شکل‌گیری سیاست قومی، ایدئولوژی مسلط در سیاست قومی، همچنین ایدئولوژی و سیاست قومی در ایران پرداخته و به تأثیر ایدئولوژی در سیاست قومی و سیاست خارجی اشاره نموده است؟

یکی دیگر از آثاری که در این خصوص به نگارش درآمده است کتاب «قوم‌شناسی سیاسی»

توسط آقای ناصر فکوهی است. نویسنده در این کتاب به بحث قومیت به صورت کلی اشاره نموده است.

سؤال اصلی مقاله این است که قوم‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارا می‌باشد؟

روش تحقیق با توجه به ماهیت موضوع، توصیفی - تحلیلی (تبیینی) خواهد بود. برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش استفاده از شیوه‌های کتابخانه‌ای - اسنادی استفاده شده است.

تعریف عملیاتی شاخص‌های متغیرهای دخیل

مفهوم قومیت

مفهوم قومیت و امنیت ملی همانند سایر واژه‌های علوم انسانی تعریف جامعی از آن به عمل نیامده و دارای تعاریف مختلف است. به نظر (مک لین) قومیت چگونگی تعلق به یک گروه قومی است. قومیت شامل آگاهی نسبت به ریشه‌های تاریخی و سنت‌های مشترک است (طرح و بررسی استراتژیک، ۱۳۷۹: ۹).

قوم عبارت از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجداد مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی پیوند با یک سرزمین تاریخی با وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت است (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۷).

مفهوم امنیت ملی

شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جز مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. (ماندل، ۱۳۸۰: ۲۵) تعریف دیگر امنیت ملی در بعد

عینی به فقدان تهدیدها نسبت به ارزش‌ها و در بعد ذهنی به فقدان ترس از اینکه چنین ارزش‌هایی مورد تهدید واقع شوند می‌پردازد و آنها را می‌سنجد (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۲).

امنیت: واژه امنیت دارای دو معنای ایجابی یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر بین «دولت مردان و شهروندان» است و معنای سلبی امنیت یعنی فقدان ترس، اجبار و تهدید است. (افتخاری، ۱۳۷۷: ۱۲)

بحران

بحران^۱: از ریشه یونانی در معنای جور کردن، قضاوت لحظه حساس و مشاجره گرفته شده است. بحران به معنای تغییر ناگهانی است که در جریان یک بیماری پدید می‌آید و صفت ویژه‌ای آن معمولاً بروز حوادث و وخامت است. در معنای مجازی، شرایط و اوضاع یا دورانی خطرناک و فاقد اطمینان را می‌رساند. بحران، حالت و فرایندی است که با آن تعادل ناپدید می‌شود و از انتقالی نسبتاً اجتناب‌ناپذیر به سوی شرایط و اوضاعی دیگر خبر می‌دهد. (بیرو، ۱۳۷۰: ۷۳)

هویت ملی

هویت ملی در فرایند دولت‌سازی و ملت‌سازی موضوعیت پیدا می‌کند، هویت مجموعه‌ای از معانی و ویژگی‌هایی است که بیانگر «چه کسی بودن» فرد، یا موقعیت اجتماعی او و درعین حال، پاسخی به نیاز انسان برای شناخت از خود می‌باشد. این خودشناسی میان فرد و محیط پیرامون او، ارتباط و احساس تعلق و همبستگی ایجاد کرده و از سوی دیگر نسبت به این موقعیت نوعی تعهد و تکلیف پدید می‌آورد (حق پناه، ۱۳۸۱: ۷).

1 crisis

هویت ملی و هویت قومی از انواع هویت جمعی به معنای احساس تعلق و همبستگی عاطفی با اجتماعی بزرگ ملی و قومی و احساس وفاداری به آن است. هویت قومی و ملی در کشاکش تصور «ما» از دیگران شکل می‌گیرد. با آنکه «هویت فردی» سابقه تاریخی دارد. اما «هویت ملی» زاده عصر جدید است که ابتدا در اروپا سر برآورد و آنگاه از اواخر قرن نوزدهم به مشرق‌زمین راه یافت (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

تنوع قومی و مذهبی در ایران (توپولوژی اقوام)

جمهوری اسلامی ایران در زمره ممالک دارای تنوع قومی محسوب می‌شود و سرزمین پر آوازه ایران نه تنها در تاریخ گذشته خود بلکه هم اکنون نیز دارای ساختار چندقومی و ترکیبی از گروه‌های متنوع قومی است.

لذا ایران با گروه‌های قومی در مناطق مختلف جغرافیایی و فرهنگی که دارای سنت‌های فرهنگی، احساسات هویتی خاص (بر پایه مشترکات زبانی، نژادی، ادبیات، محل سکونت و...) آنها را به مثابه یک گروه فرعی از جامعه بزرگ‌تر مشخص می‌کند و به نحوی است که اعضای هر گروه خود را از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی از سایر اعضاء جامعه متمایز تلقی می‌کنند. وجود گروه‌ها و مناطق که بر اساس تمایز نژادی و زبانی خاص شکل گرفته قابل بازشناسی هستند و این نکته امری انکارناپذیر است و اقوام در کشور تا حدودی از انسجام و همگونی اجتماعی برخوردار هستند.

بنا بر نظر محققان تا اواسط قرن بیستم، بخش‌هایی از جمعیت ساختار قومی داشت. زیرا در مناطق مهمی از سرزمین ایران گروه‌های قومی شناخته شده چون لر، ترک، کرد، بلوچ، طالشی، عرب، ترکمن ساکن هستند که نیمی از ترکیب قومی کشور را اقوام غیر فارس تشکیل می‌دهند که عمدتاً در نوار مرزی و قلمرو جغرافیایی، منطبق با نام اقوام مربوطه، استقرار و

آرایش یافته‌اند. آذری‌ها با جمعیتی بالغ بر ۲۷/ کشور در شمال غربی و غرب، کردها با حدود ۱۰/ جمعیت کشور در غرب، بلوچ‌ها با ۲/۲/ جمعیت کشور در جنوب، ترکمن‌ها با ۲/ جمعیت کشور در شمال شرقی و طالشی با ۱/ (۵۰۰ هزار نفر جمعیت) زندگی می‌کردند که از نظر جغرافیای سیاسی و جمعیتی معنا و تعریف خاصی را برای ملت و کشور ایران پدید آورده است (دفتر طرح و بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۸۰: ۳۱).

بر اساس یک آمار قابل‌استناد جمعیت ایران ۶۰٪ فارسی زبان، ۲۲٪ ترک، ۶٪ کرد، ۶٪ لر، ۲/۵٪ درصد بلوچ و تقریباً ۲٪ عرب در سرزمین ایران سکونت دارند (مختاری، ۱۳۸۳: ۱۵).

شکل‌شناسی اقوام در ایران هر چند از بعد نظری انطباق کامل با تفاسیر و تعاریف علوم اجتماعی از مفهوم قومیت ندارد؛ اما آنچه واقعیت دارد و قابل و مناطق مختلف و فرهنگی دارد که دارای احساسات هویتی خاص (مشترکات نژادی، زبانی، ادبیات، سکونت و...) آنها را به‌عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ‌تر مشخص می‌کند، روبرو هستیم که قابل بازشناسی و امری غیرقابل‌انکار هستند. سرزمین ایران در مقوله زبانی و قومی در جهان با ۲۴/ همانندی در رتبه شانزدهم از همانندی است، درحالی‌که کره شمالی و جنوبی با ۱۰۰/ همانندی در رتبه شانزدهم و تانزانیا با ۷/ همانندی در رتبه نخست کشورها قرار دارد (حسین‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۶). بسیاری از متخصصان گروه‌های قومی در ایران را به سه دسته که در جدول صفحه بعد می‌آید تقسیم کرده‌اند (احمدی، ۱۳۷۹: ۲۰۹).

وضعیت فعلی	استان‌ها	توضیحات
استان‌های بدون جمعیت قومی قابل توجه	تهران، قم، اصفهان، یزد، سمنان، مرکزی	این استان‌ها عمداً در مرکز کشور بوده و جز گروه‌های قومی محدودی که عمدتاً مهاجر هستند. اکثر قریب به اتفاق جمعیت آنها فارس‌های شیعه هستند.
استان‌های با درصد قابل توجه از جمعیت و مسائل قومی یا مذهبی	خراسان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال بختیاری، قزوین، کرمان، گیلان، مازندران، لرستان، هرمزگان، ایلام و بوشهر	به لحاظ قومی و زبانی و فرهنگی پیوندی عمیق با فارس زبان‌ها دارند.
استان‌هایی که دارای جمعیت با اکثریت گروه‌های قومی ایرانی و از لحاظ تبعات مسائل	الف: اردبیل، آذربایجان شرقی، خوزستان، کرمانشاه، زنجان و همدان	دارای شکاف قومی و زبانی و بخش عمده آنها به لحاظ پیوند مذهبی با اکثریت شیعه دارای تضاد نمی‌باشند.
قومی و امنیتی به دودسته تقسیم می‌شوند.	ب: سیستان و بلوچستان، گلستان، آذربایجان غربی، کردستان	شکاف قومی و زبانی موازی با شکاف مذهبی بوده و با تقویت و بالفعل کردن همدیگر، بر احتمال فعال شدن و تبعات امنیتی مسائل قومی می‌افزاید.

ردیف	خانواده زبانی	تاریخ ورود	زبان و گویش
------	---------------	------------	-------------

۱	آریایی	۳۰۰۰ سال پیش	فارسی، لری، لاری، بلوچی، گیلکی، مازندرانی، ارمنی، دری، طالشی، کردی، لکی، براهوئی، شهمیزی و..
۲	سامی	۱۵۰۰ سال بعد (بیشتر از ۱۴۰۰ سال پیش)	عبری، مندائی، آسوری، عربی
۳	اورال - آلتای (ترکی و مغولی)	۹۰۰ سال پیش	ترکی، آذری، خلیجی، ترکمنی

در یک تقسیم‌بندی کلی وضعیت فعلی قومیت در ایران را می‌توان به شکل جدول زیر استخراج کرد (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۸-۹).

در ایران علاوه بر زبان و فرهنگ‌های مشترک دین هم مایه گوناگونی قومی و عامل همبستگی بوده است. وجود اقلیت مذهبی غیرمسلمان چون ارمنه، آشوری‌ها، یهودی‌ها، زرتشتی‌ها و مندائی‌ها و انشعاب در بین مسلمانان و تقسیم آنها به شیعه (دوازده‌امامی، اسماعیلی) و اهل تسنن (حنبل، شافعی، حنفی، مالکی) باعث تنوع مذاهب گردیده است.

ایران از جمله کشورهای متکثر و برخورداری از تنوع دینی، مذهبی، قومی، زبانی و فرهنگی است و در مقایسه با کشور یا واحد جغرافیای سیاسی فعلی در جهان به طور نسبی از بیشترین گوناگونی برخوردار است. سه دین اصلی توحیدی (کلیمی، نصاری و اسلام) در ایران پیروانی دارند. مذهب شیعه ۹۱/ و سنی ۸/ جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. پیروان دو دین اصلی کلیمی و نصاری با گستره‌ای از شاخه‌ها و فرقه‌های مختلف، شامل پیروان

کلیساهای متعدد با جمعیت حدود یک تا دو درصد (۱ الی ۲ درصد) جمعیت غیرمسلمانان بوده که در کنار این‌ها می‌توان به زرتشتیان، صائبی‌ها، سیک‌ها را نیز اشاره کرد.

علل و زمینه‌های شکل‌گیری تنوع قومی در کشور

با پذیرش اصل تنوع قومی در کشور اکنون شایسته است به بررسی نحوه استقرار نظام متنوع قومی پرداخته شود.

۱. بااهمیت‌ترین موضوعی که در گسترش این تنوع قومی و نژادی و این نوع از معیشت تأثیر بسزا دارد، مسئله جغرافیا و عوامل طبیعی است (کشاورزی، دامپروری و....).
۲. زمینه شکل‌گیری تنوع قومی گسترش حیات متحرک و کوچ‌نشینی بوده است.
۳. عامل بیکاری و اشتغال در بخش خدماتی و اداری بوده است.
۴. مخالفت‌هایی که با حکومت‌های مرکزی داشته‌اند و جهت از هم گسستن اتحاد و انسجام آن‌ها برخی از آن‌ها را کوچ اجباری (تبعید) به نقاط دیگر کشور مثل جهت کنترل قوم گرجی توسط حکومت‌های وقت ایران (شاه‌عباس صفوی)
۵. استفاده از جنگ‌هایی که حکومت‌ها به‌عنوان مرکز ثقل داشته‌اند (سوارکاری و جنگجو بودن اقوام).
۶. موقعیت عالی برخی مناطقی از کشور از عوامل جذب بوده است.
۷. جذابیت شهری و رشد یک‌طرفه امکانات رفاهی و تفریحی و....
۸. مهاجرت افراد به علت شرایط نامساعد زندگی می‌باشد.

ویژگی اقوام مستقر در کشور

ویژگی و سایر خصوصیات منحصر به فرد اقوام ایرانی باعث شده است که موضوع قومیت در این سرزمین از پیچیدگی و ابهامات و نیز بار امنیتی درخور توجه و قابل تأمل برخوردار شود.

گروه‌های قومی به‌عنوان یکی از متغیرهای مؤثر در امنیت داخلی و نیز به‌عنوان یک عامل تهدیدزا و همچنین تهدیدزدا (تهدید و فرصت) تاریخ کشورمان مورد ملاحظه قرار گرفته است و در مواردی بر سیاست‌های طبقاتی، احیای فرهنگ و زبان‌های قومی با رویکرد گریز از مرکز، تلاش در راستای برقراری ارتباط بین اقوام در کشورهای دارای قومیت مشترک تأکید شده است که در ذیل برخی مشترکات اقوام در ایران به نگارش در می‌آید که عبارت‌اند از:

- حفظ فرهنگ بومی، قبیله‌ای و سنت‌ها
- دارای تعصبات قومی و خرده‌فرهنگ قومی و محلی خاص خود هستند.
- به لحاظ عدم رعایت تنظیم خانواده دارای جمعیت جوان و روبه‌افزایش هستند.
- دارای سابقه ایجاد بحران و ناآرامی هستند.
- وجود مشکلاتی به لحاظ توسعه‌نیافتگی اقتصادی به سر می‌برند.
- عدم موفقیت کامل مسئولین در محو تبعیض و بی‌توجهی به مشکلات و کمبودها به جهت سابقه طولانی و نهادینه‌شدن فرهنگ قوم‌گرایی در بطن جامعه
- رشد آگاهی‌های قومی به جهت ورود به مراکز علمی و سوءاستفاده دشمن در مراکز علمی از آنها

- سیاست‌های تبعیض‌آمیز رژیم‌های گذشته در ایران به‌خصوص قاجار و شاهنشاهی

۱۱- ازدواج‌های فامیلی و حساسیت نسبت به ازدواج‌های غیرقومی

تأثیر متغیر قومیت بر امنیت ملی

با عنایت به رویکرد نرم‌افزاری به امنیت ملی، مسئله یکپارچگی زیرساخت اجتماعی مقام مدیریت امنیتی را تشکیل می‌دهد. ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه‌سازی و نه یکسان‌سازی گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل آنها به نیروی سیاسی - اجتماعی متحد تهدیدات جدید امنیتی را به همراه آورده است و زیرساخت‌های کلان سیاسی را چندپاره

ساخته و به تضعیف توان سیاست‌سازی و قابلیت پاسخگویی نظام سیاسی می‌انجامد. مسئله چند پارچگی و تشتت بنیادهای اجتماعی و مشکلات موجود فراروی فرایند ملت‌سازی در جهان سوم، متغیر یکپارچگی و تکوین جنبش‌های قومی را از اهمیت اساسی برخوردار کرده است (فکوهی، ۱۳۸۰: ۱۷).

متغیر انسجام اجتماعی، سیاسی از جمله در گروه‌های قومی از نظر امنیت ملی حائز اهمیت است. اگر درجه هویت‌سازی ملی منسجم و حضور یا فقدان هویت‌های رقیب خرده ملی را از شاخص‌های قوت و ضعف یک کشور محسوب کنیم، کشورها را می‌توان به دودسته قوی و ضعیف تقسیم کرد. کشورهای قوی از انسجام اجتماعی، سیاسی قابل توجهی برخوردار هستند و از فرایند ملت‌سازی با موفقیت عبور کرده‌اند. اما کشورهای ضعیف در فرایند ملت‌سازی با ناکامی مواجه هستند.

در کشورهای چندپارگی و تشتت و تبدیل یک دولت - ملت به گروه‌های قومی متعدد، ابعاد جدیدی را به مسئله امنیت ملی در جهان سوم می‌افزاید. شاید ناکام‌ترین موارد قابل ملموس در کشورهای در حال توسعه ایجاد یک حس مشترک عمومی درباره ارزش‌ها و علائق ملی باشد. طبیعتاً ارزش‌های گروه‌های غالب به صورت فعالیت‌های سیاسی آشکار بروز می‌کند، مثل جنبش‌های تجزیه طلب که این موارد هسته اصلی ناامنی داخلی را تشکیل می‌دهد (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۳). هر چه یک دولت - ملت منسجم‌تر و یکپارچه‌تر باشد وضعیت امنیتی آن دارای ثبات بوده و دولت - ملت نامنسجم زمینه بالقوه مناسبی برای رفتارها و رخداد‌های ضد امنیتی محسوب می‌شود؛ لذا در جوامع ضعیف و پاره احتمال واگرایی و مرکزگریزی گروه‌های فراملی قابل ملاحظه است، قومیت در ارزیابی امنیت ملی متغیری مهم محسوب می‌شود.

برخی از عوامل چون درجه پایین انسجام و یکپارچگی اجتماعی (ضعف دولت)، ساختار غیرمشارکتی و توزیع قدرت سیاسی، رفتارهای سیاسی تجزیه‌طلبانه، کاهش امنیت داخلی، افزایش حمایت‌گری خارجی، رابطه مرکز و پیرامون ناهمسانی در علائق و ارزش‌های مشترک در تشدید تمایلات قومی، قومیت به مثابه متغیر امنیت ملی مؤثرند.

ضرورت رویکرد به قومیت

مفهوم قومیت در دهه ۱۹۶۰ میلادی به دنبال شکل‌گیری دولت‌های ملی در کشورهای مستعمره سابق در نتیجه کاهش قدرت نظامی اروپای غربی پس از جنگ دوم جهانی ظاهر شد و نخستین بار و در سال ۱۹۵۲ توسط الفرز سوری جمعیت‌شناس فرانسوی مفهوم قومیت و قوم‌گرا در مقابل مفهوم ملیت قرار گرفت. این پدیده اجتماعی سیاسی به گونه‌های مختلف تعریف شده است و از مشخصه‌هایی همچون نام مشترک، سرزمین و زبان مشترک، فضاها، مشترک زیستی، رسوم و آداب و ارزش‌های مشترک، احساس مشترک و ... سخن به میان آمده است و تاکنون چندین کتاب و مقالات درباره درگیر شدن گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی، نژادی و... در فعالیت‌های سیاسی نظامی با دولت‌های مرکزی انتشار و به چاپ رسیده است و این مسئله بعد از پایان جنگ سرد در کشورهایی همچون روسیه، یوگسلاوی سابق، افغانستان، عراق و تا حدودی ترکیه و کشورمان ایران به وقوع پیوسته است، مسئله قومیت و استفاده ابزاری از آن توسط گروه‌های ناسازگار و قدرت‌های سلطه‌جو و چالش‌های برخاسته از آن به عنوان یک جریان ضد امنیتی قابل توجه است (مختار زاده، ۱۳۸۳: ۲۴).

لذا جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس تا کنون موارد متعددی از ناامنی‌های قومی را در مناطق مختلف کشور تجربه کرده است. هر چند این حرکت‌ها در برخی مناطق همچون کردستان، سیستان و بلوچستان، تبریز، خوزستان، ترکمن صحرا و... با اقتدار و فداکاری مهار

شده است، اما واقعیت نیروها و پتانسیل قومی تهدیدآمیز در کشورمان چیزی نیست که مورد غفلت قرار گیرد، زیرا قومیت‌ها از دیرباز در بعد امنیتی حایز اهمیت بوده و باید با حساسیت ویژه مورد کنکاش قرار گیرد و از آسیب‌شناسی این پدیده نباید به‌آسانی گذشت.

قومیت و تأثیر آن بر امنیت ملی در جهان

قومیت در جهان امروز ابعاد وسیع و روزافزونی پیدا نموده است. از شگفتی‌های دهه اخیر این است که از یک طرف شاهد به‌اصطلاح جدی شدن فرایند جهانی شدن، بازارهای اقتصادی، شیوه‌های حقوقی و سیاسی هستیم و از سوی دیگر ناظر ظهور انواع اختلاف‌های قومی و تأکید بر بنیادی‌ترین هویت ملی گروهی و وفاداری‌های قومی در بسیاری از مناطق و کشورهای جهان هستیم.

روزگاری اتحاد جماهیر شوروی سابق ۱۰۴ گروه قومی در قالب یک کشور واحد هم‌زیستی می‌کردند. امروزه ۱۵ کشور مستقل قومی بر فراز جسد قدرت مذکور پرچم‌های خود را برافراشته‌اند. اروپا که اکنون خود را به طور نمادین واحد پول مشترک به نمایش می‌گذارند، متشکل از ۷۵ منطقه فرهنگی و قومی جداگانه است و به طور بالقوه به ۷۵ کشور تقسیم شده است (مختاری، ۱۳۸۳: ۱۸).

هنگامی که در می‌یابیم ناهمگونی قومی، واقعیتی در میان ملل جامعه جهانی عصر حاضر است، دیگر نباید موضوع قومیت در کشور یا ملیتی شگفت‌آور باشد. این مسئله در بسیاری از ملت‌های تازه استقلال یافته، زد و خوردهای تجزیه طلبانه و... در آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا و سرزمین‌هایی که سابقاً تحت استعمار بوده‌اند وجود دارد. بدون تردید این موضوع، نیازمند بررسی و شناخت همه‌جانبه می‌باشد.

پتانسیل‌های تهدید اقوام نسبت به امنیت ملی کشور

به‌طور کلی در بررسی روند بحران قومی باید دانست که این موضوع نیز مثل هر مسئله اجتماعی دیگر در طیفی از حالات و شدت متفاوت قابل تشخیص و بررسی است.

۱- دخالت بیگانگان و حمایت علنی آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی از قومیت‌گرایی در ایران که در این راستا ساموئل زولیر میسیونر معروف غربی می‌گوید: «نخستین کار برای ریشه‌کن کردن اسلام ایجاد قوم‌گرایی است.» (دفتر طرح و بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۷۹: ۲۳).

۲- مرحله گذار کشور و ارتباط معنادار معطوف به افزایش بحران‌های قومی به دلایلی چون:

الف) سهم بری گروه‌های قومی از نظام در حال تکوین

ب) استقرار مشروعیت جدید به علت ستم‌ها و اجحاف‌ها در زمان رژیم پهلوی و رفع ستم ملی و تلاش جهت تغییر در شیوه برگزاری فراندوم و تدوین قوانینی چون خودمختاری در قانون اساسی و... از نظام جدید

ج) تلاش جهت تأثیرگذاری بر نظام جدید و تدوین قوانین حمایتی از اقوام غیر فارس و حضور در هرم قدرت سیاسی، طبیعت تغییر و تحول در جوامع در حال گذار و فراهم آمدن زمینه برای بروز بحران‌های گوناگون که این زمینه برای شیخ خزعلی، فرقه دموکرات آذربایجان، قطب‌زاده، حزب دموکرات کردستان پدید آمد.

۳- بعد پیروزی انقلاب اسلامی جریان‌های واگرا و ناهمساز در کردستان، سیستان، آذربایجان، خوزستان و ترکمن صحرا آتش منازعات قومی را دامن زده‌اند.

۴- تعارض هویت به جهت این که ایران از منظر ترکیب قومی و مذهبی، جامعه‌ای ناهمگون محسوب می‌شود و این تفاوت‌ها برای هر گروه قومی هویت و شخصیت مستقل و متمایزی از هویت جامعه ملی را ایجاد کرده است. به‌گونه‌ای که موجب تنزل جایگاه

هویت ملی می‌گردد.

۵- تشکیل گروه‌ها و احزاب سیاسی پنهان و آشکار در هواداری از کاندیداهای صرفاً به

جهت تعصبات قومی و مذهبی

۶- ایجاد و تشکیل ان جی اوها با گرایش قومیت‌گرایی در کشور

۷- افزایش سریع جمعیت و قدرت اقتصادی گروه‌های قومی به‌عنوان دو مؤلفه مهم قدرت

به جهت عدم کنترل جمعیت در قالب طرح‌های مهار جمعیت در مناطق قوم نشینی

حاشیه‌ای نسبت به جمعیت فارس زبان‌ها و عدم رشد اقتصادی به جهت فقر اقتصادی و

کمبود امکانات از یک طرف و تأکید نخبگان سیاسی و مذهبی بر لزوم افزایش جمعیت

باعث برهم‌زدن ترکیب نفوس در این مناطق و کل کشور گردیده است.

۸- فزونی مطالبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در میان اقوام توسط نخبگان سیاسی

مسئله‌دار، احزاب و گروه‌های معاند جهت بحران‌آفرینی در کشور

۹- رشد فرایند خودآگاهی قومی و تلاش فرهنگی به‌عنوان راهبردهای مهم قوم‌گراها به‌عنوان

ابزار بسیج توده‌ها و پیوستن بخشی از فارغ‌التحصیلان و نخبگان علمی هر قومی، در پی

گسترش مراکز آموزش عالی و تبدیل شدن ماهای کوچک در برابر ماهای بزرگ (ملی)

قد برافراشته و تقاضاهای قابل مذاکره و غیرقابل مذاکره در همه ابعاد با سرعتی فزاینده از

زبان روشن‌فکران، تحصیل‌کرده‌های لائیک و حتی مسلمان بیان می‌شود؛ لذا آنچه مایه

دغدغه خاطر است رشد یکسویه خودآگاهی‌های قومی که موجب تضعیف هویت ملی

و وحدت ملی می‌گردد و مناسب‌ترین الگوی سیاست قومی سیاستی است که معطوف به

تقویت همبستگی و انسجام ملی شود و موجب تحقق نوعی هویت و وحدت گردد.

۱۰- رشد فزاینده انجمن‌های هنری، ادبی، دانشجویی جهت افزایش قومیت‌گرایی و تلاش

برای همراه نمودن سایر دانشجویان برای سوءاستفاده سیاسی و تشنج‌زا

۱۱- ساخت فیلم‌هایی که هویت‌جویی قومی را تشویق می‌کند یا فیلم‌هایی که به تحقیر اقوام مبادرت می‌ورزد.

۱۲- افزایش مطبوعات محلی با گویش‌های قومی و محلی و ترویج تفکر گریز از مرکزی

۱۳- موازی بودن شکاف قومی با شکاف‌های مذهبی و زبانی در مناطق قومیت‌نشین

۱۴- تشدید معضل جاسوسی به جهت استقرار اقوام ایرانی در حاشیه کشور، تردد و رابطه آنها با کشورهای هم‌جوار و نفوذپذیری مرزها، سرویس‌های جاسوسی کشورهای دشمن و حتی دوست باعث استخدام و به‌کارگیری افراد با انگیزه‌های قومی می‌گردد. چنین تحرکاتی حس قوم‌گرایی و شیوع جنبش‌های تجزیه‌طلبانه قومی را افزایش می‌دهد و زمینه نفوذ به مراکز حساس سیاسی، اقتصادی، نظامی و... را تشدید می‌کند.

۱۵- فزونی اشغال پست‌های اداری - سیاسی در کشور نسبت به سنوات گذشته

۱۶- مرزن‌نشینی اقوام و استقرار در کانون‌های بحران‌خیز کشور

۱۷- فراوانی ناهنجاری‌های اجتماعی، شرارت، اقدامات تروریستی و...

۱۸- مهاجرت و بروز مشکلات عدیده این پدیده شوم در برخی استان‌ها و شکل‌گیری اراذل‌و‌اوباش به علت مهاجرت و استقرار در حاشیه‌های کلان‌شهرها و ایجاد ناامنی و درگیری و بروز بحران و اغتشاش و سوءاستفاده عناصر بیگانه از این ظرفیت‌ها جهت بحران‌سازی در کشور

۱۹- به‌وجودآمدن غائله‌هایی به علت تقسیمات کشوری و بهره‌برداری سیاسی از این موضوعات در دولت گذشته در برخی در استان‌های کشور

۲۰- تحریک بیگانگان و دخالت شیطن‌آمیز به‌صورت مستقیم در مباحث اقوام

۲۱- حمایت‌های جانب‌دارانه مجامع و گروه‌های جهانی به‌اصطلاح بشردوستانه (حقوق بشر)

۲۲- تأثیر نارضایتی عمومی در مناطق قومی چون معیشت، بیکاری، و....

۲۳- استفاده از ظرفیت قومیت‌ها جهت ناامنی در کشور و سوءاستفاده در انتخابات،

راهپیمایی‌ها و مشارکت سیاسی و اجتماعی

۲۴- برانگیخته‌شدن حس ناسیونالیستی در میان اقوام و طوایف کشور

۲۵- تحریک و سوءاستفاده از عواطف لطیف اقوام و طوایف توسط روزنامه‌های زنجیره‌ای

و کاندیداها

روش‌های پیگیری سیاست قومی جهت ارائه راهکارها و مقابله با آسیب‌های قومی

هدف اصلی در طراحی و تدوین سیاست قومی باید معطوف به تقویت هر چه بیشتر یکپارچگی، همبستگی، وحدت و وفاق ملی یا اجتماعی در سطح کشور می‌باشد. در ادبیات علوم اجتماعی از این وضعیت تحت عناوینی چون مهندسی اجتماعی، ملت‌سازی، وفاق اجتماعی، وحدت نمادی، یکپارچگی ملی یاد می‌شود، بنابراین سیاسی قومی در ایران باید متضمن هدایت بخش عمده‌ای از توانایی‌ها و استعدادها برنامه‌ریزی در مدیریت سیاسی جامعه و اتخاذ رویکردهای مناسب در حوزه فرهنگ، تبلیغات و ارتباطات و... باشد.

اصول حاکم بر سیاست قومی در ایران باید منتهی به تقویت اشتراکات و تلاش برای نزدیکی اقوام با همدیگر باشد و به این نکته توجه داشت که هر چه محورها و اصول مورد توافق جمعی افزایش یابد، امکان و احتمال هماهنگی و همدلی بیش‌تر خواهد بود.

بنابراین، برخی عوامل جهت مقابله با قومیت‌گریزی اقوام در کشور مطرح می‌گردد.

۱- تأکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی و حفظ و ترویج ارزش‌های اسلامی

۲- تقویت عوامل تشکیل‌دهنده هویت ملی در برابر هویت‌های قومی و محلی

۳- تأکید بر موارث فرهنگی با پیشینه مشارکت هم‌زیستی دائمی اقوام و دخالت تاریخی

اقوام در حاکمیت

۴- تأکید بر زبان فارسی (نباید به معنای جلوگیری از کاربرد دیگر زبان‌ها و گویش‌ها شود).

۵- تأکید بر توسعه همه‌جانبه در کل کشور و ایجاد و پیگیری طرح‌های عمرانی و.. در مناطق قومیت نشین

۶- کاهش محرومیت‌ها در مناطق قومی

۷- مقابله جدی با جریان‌های قومی واگرا و سیاست‌های مداخله‌جویانه بیگانگان و سوء استفاده از اقوام (در سطح کلان)

۸- حساسیت‌زدایی در خصوص رشد مطبوعات، زبان، موسیقی، هنر و پوشش محلی

۹- از میان بردن زمینه‌های بروز احساسات و تحریکات چون فقر، محرومیت و عقب‌ماندگی در مناطق قومیت نشین

۱۰- برابری در فرصت‌های اساسی مانند شغل، تحصیلات و امکانات رفاهی

۱۱- تقویت احترام، عزت و تکریم شهروندان از سوی همدیگر

۱۲- تقویت وحدت شیعه و سنی در مناطق

۱۳- ارتقای سطح ایران‌گردی و احساسات عام‌گرایانه

۱۴- تقویت تیم‌های ورزشی در مناطق قومی و تشویق برای حضور در مسابقات سراسری و ملی

۱۵- شناسایی عناصر اصلی آشوبگر توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و برخورد قاطع دستگاه قضایی با متخلفان

۱۶- بالابردن سطح آگاهی مردم (قومیت‌ها) نسبت به دست‌های پشت پرده شرارت و بیگانه

۱۷- برنامه‌ریزی جهت تقویت وفاق اجتماعی به‌عنوان یک هدف کلان و محقق‌شدن شعار سال به فرموده مقام معظم رهبری ۸۶ (اتحاد ملی و انسجام اسلامی)

۱۸- حفظ استقلال نسبی فرهنگ‌ها و حتی اصالت دادن به آنها و درعین حال برقراری اتصال و ارتباط بین اقوام از طریق تقویت و برجسته‌کردن نقاط مشترک بین اقوام و غیر اقوام

(ارزش، عرف و...)

۱۹- هوشیاری در تفکیک تقسیمات کشوری و لحاظ قرارداد ادب و رسوم و سنن (تفرقه زدایی)

۲۰- استفاده از پژوهشگران و مراکز فرهنگی دینی جهت نشریات و بولتن‌ها

۲۱- شناسایی و برخورد با عوامل ایجاد بحران چون سرپل‌های مالی و تأمین منابع آشوبگران، اغتشاشگران، وبلاگ‌نویسان

نتیجه‌گیری

ناآرامی به هر شکل، وسیله و موضوعی، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی، فرهنگی، امنیتی، اجتماعی و... بوده که همواره تهدیدات بالقوه‌ای علیه امنیت ملی را در پی دارد و در اشکال و صورت‌های مختلف و در پوشش چون اغتشاش، اعتراض کارگری و مردمی، بمب‌گذاری، ترور و... بروز می‌کند، لذا یکی از شاخص‌های محل امنیت ملی به جهت پراکندگی جمعیتی کشور پدیده قومیت می‌تواند باشد.

چون موقعیت جغرافیایی، مرزنشینی و حاشیه‌گزینی اقوام بر درجه آسیب‌زدایی و تهدیدآفرینی متغیر قومیت در امنیت ملی ایران می‌افزاید و از نظر میزان انسجام اجتماعی کشور را در زمره کشورهای ضعیف قرار می‌دهد، زیرا هویت‌های خرده ملی در برابر هویت ملی صف‌آرایی می‌کنند و زمینه شکاف طبقاتی و ساخت ارتباطی مرکز - پیرامون بین دولت و نواحی قومی را افزایش می‌دهد. نهایتاً جهت برخورد ریشه‌ای با علل بروز ناآرامی و اغتشاش در مناطق قومیت‌نشین در دو بعد داخلی و خارجی با محوریت پنج حوزه اصلی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی (داخلی) و تحریکات قومی و قبیله‌ای (خارجی) در ذیل مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

الف) عوامل داخلی

۱- حوزه فرهنگی اقوام

تقویت روند تفاهم فرهنگی، تبادل اندیشه‌ها، نهادها و رواج ارزش‌های فرهنگی مثل شجاعت، عزت، احترام، تعهد، معرفت، اعتماد، صداقت در عمل و... مدنظر قرار دارد. زیرا عامل فرهنگی چون اختلافات نژادی، قومی و مذهبی و... از جمله عوامل پیدایش حوزه فرهنگی است.

۲- حوزه اجتماعی

هدف اصلی در این حوزه تقویت روابط اجتماعی اقوام در ابعادی چون نزدیک کردن روابط، شدت بخشیدن به مناسبات عاطفی و گرم کردن روابط و تنوع دادن به اشکال روابط است. زیرا عامل‌هایی چون سطح پائین سواد و پائین بودن آگاهی مردم نیز از دیگر علت‌های شورش و آسیب رساندن و آشوب است.

۳- حوزه اقتصادی

اهداف سیاست قومی تقویت روابط مبادلاتی، کاهش نابرابری در بازار محلی، توزیع عادلانه فرصت‌ها، توسعه اقتصادی، توزیع یارانه‌ها و... است. زیرا بیکاری، مشکلات مسکن، تورم و گرانی، مشکلات اقتصادی و معیشتی قومیت‌ها همانند سایر مردم از جمله دغدغه‌های آنها بوده و به دنبال تأمین حداقل نیازهای زندگی می‌باشند. بی‌توجهی به خواسته‌های مشروع قومیت‌ها و عدم ارائه خدمات از جمله عوامل سلب اعتماد و زمینه بروز آشوب است.

۴- حوزه سیاسی

هدف اصلی احساس تعمق و یگانگی فرد با واحد سیاسی (کشور)، تقویت علاقه‌مندی به زادوبوم و جداکردن حق سرنوشت از حق تشکیل کشور مستقل (خودمختاری)، افزایش مشارکت سیاسی نهادهای شده، تمرکززدایی اداری و تقویت نهادهای مردمی در مناطق قومی

است. زیرا فعالیت گروه‌های مخالف و معاند چه قانونی و چه غیرقانونی هر یک به‌نوعی زمینه بروز آشوب را فراهم می‌آورد و گروه‌ها جهت رسیدن به اهداف و مقاصد سیاسی (براندازی یا حزبی) سعی می‌کنند از پتانسیل موجود در قومیت‌ها به‌منظور بی‌ثباتی در اجتماع و جامعه سوءاستفاده کنند و جهت رسیدن به قدرت و منافع حزبی اجتماع را به سمت اغتشاش هدایت می‌کنند.

۵- حوزه امنیتی

هدف اصلی برقراری حاکمیت، مقابله با تحریکات و نفوذهای خارجی و سرکوب ناسازگاران و افراد معاند داخل جامعه و بدنه نظام است. در این راستا آسیب‌شناسی از پدیده‌های آشوبگر و برخورد با این‌گونه موارد جز وظایف تخصصی نهادهای امنیتی است که با ریشه‌یابی علل بروز بحران، شناسایی محرکین، ایجاد بانک اطلاعاتی مربوطه، تبادل اطلاعات و استفاده از نظرات تخصصی همدیگر، مشخص نمودن رسالت هر دستگاه و نهادهای مربوطه محقق می‌گردد و این اقدامات از ضروریات مقابله با پدیده‌هایی چون قومیت و اقوام است.

ب) عوامل خارجی

۱- تحریکات قومی

کشورهای خارجی از هیچ کوششی برای از بین بردن و تضعیف حکومت فروگذار نیستند و یکی از شگردهای دشمنان به جهت ساختار ویژگی جمعیتی ایران تحریک و پشتیبانی از اقلیت‌های قومی است. ایران به جهت پراکندگی جمعیتی از نظر نژادی از این قاعده مستثنی نیست. دشمنان خارجی از حمایت سیاسی و مالی، رسانه‌ای و اطلاعاتی یا وعده‌های چون خودمختاری و از تحریکاتی چون ضایع شدن حقوق شهروندی و بی‌تأثیر بودن نظرات به دلیل در اقلیت قرارگرفتن، بی‌توجهی دولت مرکزی به خواسته‌ها و نظرات قومیت‌ها و...

سوءاستفاده کرده و زمینه آشوب و درگیری داخلی را فراهم می‌نماید. در این راستا از ابزارهای تبلیغی و رسانه‌ای چون ناتوی فرهنگی، رسانه‌های معاند داخلی (براندازی نرم) جاسوسان و افراد نفوذی در بدنه دستگاه‌ها، نهادها و.... تفکر شیطانی خود را ظاهر می‌سازند و علاوه بر موارد ذکر شده از مشکلات اقتصادی و بعضاً اجتماعی و... ثبات اجتماعی را هدف قرارداده و بحران‌های غیرقابل تصور را به آشوب تبدیل می‌کنند.

نهایتاً در سیاست قومی ضمن توجه به حوزه‌های مذکور (داخلی و خارجی) هدف اصلی یکپارچه‌سازی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... در عین به رسمیت بخشیدن و احترام به تفاوت‌ها و تنوع‌های قومی و فرهنگی است. زیرا ما باید بپذیریم که اقوام جزءلاینفک کشور بوده و باید با دید رفع موانع و مشکلات و ریشه‌یابی علل گرایش و سوءاستفاده دشمنان از این قومیت‌ها، آسیب‌شناسی گردد تا بتوانیم در راستای منویات مقام معظم رهبری مبنی بر اتحاد ملی گام برداریم.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۹). «قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت» تهران: فصلنامه مطالعات ملی.
- اتابکی، تورج (۱۳۷۲). «ملیت و قومیت و خودمختاری در ایران معاصر»، فصلنامه گفتگو، سال اول، شماره ۳.
- اشرف، احمد (۱۳۷۲). «هویت ایرانی» فصلنامه گفتگو، سال اول، شماره ۳.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷). «شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی» تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۷۸). «قومیت‌ها در ایران، راهبردها و راهکارها» تهران: انتشارات پژوهشکده راهبردی.
- حسین زاده، فهیمه (۱۳۸۰). «گروه‌های قومی ایران» تهران: فصلنامه مطالعات ملی
- حق پناه، جعفر (۱۳۸۱)، ایدئولوژی و سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دفتر طرح و بررسی‌های استراتژیک (۱۳۷۹). «سیاست‌های قومی» تهران: انتشارات بررسی‌های استراتژیک.
- دفتر طرح و بررسی‌های استراتژیک (۱۳۷۹). «قوم‌گرایی و چالش‌های فراگیر جهان» تهران: انتشارات بررسی‌های استراتژیک.
- دفتر طرح و بررسی‌های استراتژیک (۱۳۸۰). «ناهمگونی قومی و امنیت ملی» تهران: انتشارات بررسی‌های استراتژیک.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). «امنیت ملی و نظام بین‌المللی» تهران: انتشارات سمت
- سید فتاحی، سید مهدی (۱۳۹۶). عوامل مؤثر در پیدایش بحران‌های قومی در مناطق

آذری‌نشین، اصفهان: نشر.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۰). «قوم‌شناسی سیاسی» تهران: نشر نی.

ماندل، رابرت (۱۳۸۰). «چهره متغیر امنیت ملی» تهران: انتشارات پژوهشکده راهبردی.

مختارزاده (۱۳۸۳). «قومیت در ایران» تهران: نشریه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی (تیرماه شماره ۷).

مختارزاده (۱۳۸۳). «ابعاد امنیتی قومیت در ایران» تهران: نشریه سیاسی، فرهنگی اجتماعی (تیرماه شماره ۹).

مختاری (۱۳۸۳). «قومیت در ایران» تهران: نشریه سیاسی، فرهنگی اجتماعی (شماره ۱۰ و ۱۱).